

بسم الله الرحمن الرحيم

برای اینکه همه ما هدایت شویم، چرا که شاید کسانی هم که این سخنان را می گویند و یا چنین اعتقاداتی دارند، از درست نبودن این ها آگاه نباشند و الا اگر انسان مؤمن و موحد بداند در عملی اشتباه می کند، نه به خاطر مثلاً تجربه ی ۶۰ ساله در اعتقاد و عمل به این اعتقادات، راه راست را کنار می زند و نه تکیه بر جهل دیگران کرده و گوش قلب خویش را ناشنوا برای شنیدن حق می کند. پس برای آنان که در این جرگه اند، می آورم برخی از آنچه را که باید دانست:

۱.... عن كشكول شيخنا البهائي (ره) عن النبي (ص) انه قال: لا يقوم الساعة على امتي حتى يقوم قوم من امتي اسمهم الصوفية، ليسوا مني، وانهم يخلقون للذكور يرفعون اصواتهم يظنون انهم على طريقي، بل هم اضل من الكفار وهم اهل النار لهم شهيق الحماز: ...

از كشكول شيخ ما بهائي (ره) از حضرت پیغمبر اکرم (ص) که فرمودند: قیامت بر امت من برپا نگشته تا آنکه (پیش از آن) گروهی از امتم برخاسته که اسم آنها صوفیه است، آنها از من نیستند، و آنها برای ذکر حلقه میزنند و صداهای خود را بلند می کنند، گمان می کنند که بر راه طریقت من هستند، بلکه آنها از کفار گمراه ترند و آنان اهل آتش (در آخرت) اند و (در آن آتش) صدای درازگوش می دهند.

۵. و عنه ايضاً بسنده عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب قال كنت مع (عند. خ ل) الهادي علي بن محمد (ع) في مسجد النبي (ص) فاتاه جماعة من اصحابه ... ثم دخل المسجد جماعة من الصوفية و جلسوا في جانب مستديراً (مستديرين . خ ل) واخذوا بالتهليل، فقال (ع): لا تلتفتوا الى هؤلاء الخداعين، فانهم حلفاء الشيطان و محترّبوا قواعد الدين، يتزهدون لراحة الاجسام و يتّجهدون لتصبيد الانعام ... فلا يتّبعهم الا السفهاء و لا يعتقد بهم الا الحمقاء، فن ذهب الى زيارة احد منهم حياً او ميتاً فكأنما ذهب الى زيارة الشيطان و عبدة الاوثان، و من اعان احداً منهم فكأنما اعان يزيد و معاوية و اباسفيان. فقال له رجل من اصحابه (ع): وان كان معترفاً بحقوقكم، قال: فنظر اليه شبه المغضب و قال: دع ذا عنك من اعترف بحقوقنا لم يذهب في عقوقنا اما تدرى انهم اخس طوائف الصوفية و الصوفية كلهم من مخالفينا و طريقتهم مغايرة لطريقتنا و ان هم الانصاري و محبوس هذه الامة ....

و از او (سید مرتضی رازی) نیز به سند خود از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب که گفت: در محضر حضرت امام هادی (ع) در مسجد النبی (ص) بودم، پس جماعتی از اصحاب حضرت وارد شده ... سپس جماعتی از صوفیه وارد شده و در طرفی بطور دایره نشستند و مشغول تهلیل (لا اله الا الله گفتن) شدند. آنگاه حضرت فرمودند: به این حیل گران توجه نکنید، پس به راستی که آنها هم پیمانان شیطان و خراب کنندگان ستونهای دین اند. به خود زهد بندند، برای راحتی جسمشان و شب بیداری می کشند برای صید کردن چهارپایان (مقصود از چهارپایان، افراد بی عقل و نادان است) ... پس پیروی نمی کند آنها را مگر سفیهان و معتقد نمی شود به آنها مگر احمقان. پس هر که به دیدار و زیارت یکی از آنها برود در حال حیات یا مماتشان، گویا به زیارت شیطان و بت پرستان رفته و هر که یکی از آنها را کمک کند گویا یزید و معاویه و ابوسفیان را کمک کرده. پس مردی از اصحاب حضرت عرضه داشت: و اگرچه آن فرد صوفی اعتراف به حقوق (امامت و ولایت) شما داشته باشد (باز چنین است)؟ (محمد بن الحسین) گفت: پس حضرت نگاهی شبیه نگاه غضبناک به او نموده و فرمودند: این سخن را از خود کنار بگذار، کسی که معترف به حقوق ما باشد، در راه عقوق ما نخواهد رفت. آیا نمی دانی؟ به درستی که اینان (که با اعتراف به حقوق و ولایت و امامت ما به سوی صوفیه می روند) پست ترین طوائف صوفیه هستند و همه صوفیه از مخالفین ما هستند و طریقه و راه آنها بر غیر طریقه و راه ماست و آنها جز نصاری و محبوس این امت نیستند ....

خواندم و خواندی، شنیدم و شنیدی. این پیامبر و اهل بیت (ع) هستند که اقرار می کنند از صوفیه بیزار هستند و آنان را دشمنان خویش معرفی می نمایند. اهل بیت (ع) اعتراف می فرمایند که آنان در غیر راه ایشان هستند و از آنان راضی نیستند. آنچه گذشت، گذشت. به فکر حال باش. حتی اگر به این دام گرفتاریم، بهتر است تا دیر نشده خود را نجات دهیم. مهم نیست که چند سال در مسلک اینان سرگشته

بوده ایم. مهم این است که اکنون صدای امام هادی (ع) طنین انداز فضای جان ما شده که ندا می دهد: اینان در راه ما نیستند... همه صوفیه از مخالفان ما هستند... مهم این است که اکنون برای همیشه تسلیم خداوند باشیم و رضایت او را سرلوحه قرار دهیم. نکته ای که شایان ذکر است اینکه: ممکن است در میان صوفیه افرادی پیدا شوند که کارها یا خبرهایی غیرعادی داشته باشند. باید دانست که به دست آوردن توانایی انجام این کارها و یا به دست آوردن این خبرها از سه حالت خارج نیست:

۱. به وسیله شیاطین جن به آنان رسیده باشد که بر آنها مسلط شده اند که ابتدا به منظور فریب دادن خود شخص و سپس برای گمراه نمودن دیگران صورت می پذیرد، از این جهت که گمان کنند کرامتی برای صوفیان است.

۲. و نیز ممکن است اصلاً حادثه ای به وقوع نپیوندد و تنها شعبده یا سحر و جادو باشد (مانند مار و شیشه خوردن و... درویش قادریه).  
۳. همچنین خداوند به کسانی که برای دنیای خویش زحمت می کشند و ریاضت های باطل را پیشه می سازند، قدرت انجام برخی کارها و یا به دست آوردن برخی اخبار را می دهد. همچنان که می فرماید:

«و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها. و هر که پاداش دنیا بخواهد مقداری باو خواهیم داد»<sup>۱</sup> «و من یرد حرث الدنیا نؤته منها. و هر که کشتزار دنیا را بخواهد مقداری به او خواهیم داد»<sup>۲</sup>.

که از جمله آن نیز می تواند مرتاض های هند باشد. و دیگر از سعادت جاوید آخرت و بهشت و رحمت و رضوان بی نصیب و کاملاً محروم هستند «و ما له فی الآخرة من نصیب - شوری ۲۰»

نیز به فروع کافی (باب دخول الصوفیه علی الامام الصادق (ع) و تحف العقول در این باب که حضرت امام صادق (ع) انحرافات آنها را طی حدیثی طولانی بیان فرموده مراجعه شود.

و واضح است که اگر آن همه روایت هم وارد نشده بود، روشن بود که هر راهی جز راه محمد و آل (ص)، باطل و بدعت و ضلالت و به سوی جهنم است. خواه به اسم صوفی باشد یا عارف و یا اهل حق و غیره، راه محمد و آل (ص) و گفتار و کردارشان همان است که همه در روایات و توارخ مربوطه آمده که خود تا آخرین نفس، عبادت و بندگی خدا نموده و حتی جان خود را در راه خدا فدا کردند و بدون استثناء به عنوان حکم الهی به همه جامعه فرمودند باید چنین کنند، تا آنجا که اگر کسی پس از داخل شدن وقت نماز مرد و فرصت خواندن آن نماز را بلافاصله داشت، آن نماز را نیز باید برای او قضا کنند و... همان گونه که از هرگونه افراط و تفریط و اختراع در عبادت و دعا و... نهی فرمودند....

تبصره: انحراف در هر کار و راه صحیح از سه راه پیش می آید:

۱. به طور کلی دور و غافل شدن از آن و مبانی آن.

۲. عدم مراجعه به متخصصین فن در فراگیری آن.

۱- (۳) سوره آل عمران: آیه ۱۴۵.

۲- سوره شوری: آیه ۲۰.

۳. خود محوری که شخص بخواهد بدون استاد و راهنمای صد درصد متخصص و متعهد، به راه بیافتد که قهراً به چاه می افتد. چه بسیار که با دیدن یک آیه یا روایت که اصطلاح و مقصود از آن را نفهمیده گمراه شدند که چون بدون استاد و متخصص و تخصص خواستند پیش بروند، به کجی گام نهاده اند.

مثلاً در قرآن مجید است: «و اعبد ربک حتی یأتیک الیقین . پروردگارت را عبادت کن تا آن هنگام که یقین برای تو بیاید» که به اتفاق تمام مفسرین، مقصود از یقین، هنگام مرگ است که یقینی بوده، یعنی تا هنگام مرگ و آخرین نفس عبادت کن. مثلاً به مجمع البیان که جامع اقوال مفسرین شیعه و سنی است و سایر تفاسیر مراجعه کنیم همین است، حال ممکن است یک فرد یا افرادی بی خبر و نادان فکر کنند مقصود این است که تا موقع رسیدن به یقین در اصول عقاید و دین، عبادت کن و پس از آن آزادی! ولی غافل از همه تفاسیر و همه چیز دیگر که مثلاً این آیه مگر در درجه اول خطاب به خود پیغمبر اکرم (ص) نبوده، آیا پیغمبر در دین و عقیده خود شک داشت؟ و مگر تا آخرین نفس، خود و همه ائمه (ع) عبادت نکردند؟ پس تا آخر هم نعوذ بالله یقین پیدا نکرده ...؟ و آیا حکم ضروری دین، عبادت تا آخرین نفس برای همه نبوده؟ ...؟ آری اینست ضرر عظیم غیر قابل جبران بی پیر عالم متخصص متعهد، به خرابات رفتن.